

بورژواهای ناسیونالیست

در نتیجه هرج و مرج اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجود در چین (آن زمان)، تمایلی برای ایجاد تغییر پدید آمد. جنبش های موجود در اپوزیسیون، با کمک روسیه و "بین الملل کمونیستی" به دو جریان عمده تقسیم شدند: یکی جریان ناسیونالیستی و دیگری کمونیستی. جریان ناسیونالیستی به رهبری "سون یات سن" و سپس "چیانگ کای چک" خواهان اتحاد مجدد کل کشور و پایان دادن به سلطه قدرت های امپریالیستی بر چین و احیای زیربنای سیاسی غربی در چین بود.

در اواخر دهه ۱۹۲۰، همه این خواسته ها از بین رفته و تنها آرزوی اتحاد نظامی سراسری در چین باقی مانده و دموکراسی مورد نظر از پا در آمده و هم چون طعمه ای به دامان فساد و تباهی در افتاده بود.

تجارت تریاک (که به وسیله بریتانیا در قرن نوزدهم بر چین تحمیل شده بود) شیره تمام ثروت کشور را (که نقره بود) دوشید و چین مجبور شد که وام های سنگین، برای تجارتی که در اصل خواهان آن نبود، از غرب طلب نماید.

زندگی اکثریت دهقان کشور به سختی می گذشت؛ آمار سال ۱۹۲۷ نشان داد که نیمی از دهقانان چین در آن زمان، محل زندگی خود را با خانواده دهقانان دیگر شریکی استفاده می کردند و یا اگر محل را در اختیار خود داشتند، بیش

از نیمی از محصولشان بابت پرداخت کرایه محل می رفت و یا این کارگران کشاورزی بودند که ساعات نامنظم و کارهای بی ثبات داشتند. اما علیرغم همه این ها، ملاکین تحت کنترل دولت قرار داشتند. شورش های دوره ای دهقانان که به بررسی دولت از اوضاع انجامید، از سوء استفاده بی حد ملاکین جلوگیری کرده و با مرکزیت بخشیدن به پخش مواد غذایی از قحطی دوره ای مواد غذایی جلوگیری به عمل می آورد.

هیچ کس اما این قدرت را نداشت که از استثمار کارگران چینی در کارخانجاتی که صاحبان خارجی داشت، جلوگیری نماید و سودی که از این کارخانجات حاصل می شد نیز مستقیماً از چین خارج می گردید و هیچ استفاده ای برای مردم آن کشور نداشت. بین سال های ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۵، اختلاف بین میزان صادرات و واردات این کشور به ۱۷۵ میلیون پوند می رسید و چین برای خرید آهن و فولاد از اروپا بالاجبار می بایست وام می گرفت و در سال ۱۸۹۴، ژاپن کوشید تا چین را به خاک خود ملحق کند، اما روسیه جلوی این حرکت را گرفت. با این وجود، یک "قرارداد" بندری که در آن "گرامت"ی برابر ۳۴/۵ میلیون پوند به ژاپن می بایستی پرداخت می گردید، بسته شد. به این منظور بانک های انگلیسی و دیگر کشورهای اروپا وامی برابر ۴۸ میلیون پوند به چین دادند تا بتواند این گرامت را بپردازد! بازپرداخت این وام قرار بود از طریق مالیاتی که از دهقانان گرفته می شد، تأمین گردد. این مالیات ها بار زندگی را بر دوش این مردم هر چه سنگین تر می کرد.

برای بنادر غربی، چین یک بازار تجارت بود و وجود امپراطوری حاکم آن منوط به موقعیت نظام سرمایه داری در غرب بود. اقتصاد آن نظام استبدادی

آسیایی اگرچه عقب افتاده بود، اما در گذشته لااقل دخل و خرجش با هم همخوانی داشت و طراز بود. اکنون از هم پاشیده شده بود و ملت استثمار شده با دستمزدی ناچیز برای خارجیان کار می کرد و بعد با پرداخت مالیات های سنگین وام همان خارجیان را نیز می پرداخت. با همه این ها، همین استثمار و تجمع کارگران در اماکن صنعتی بود که در واقع تخم انقلاب را در آن کشور کاشت.

الیزابت میل وارد

ترجمه: سارا قاضی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN , London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴